



فاصله گرفتن افراد خانواده از هم به خاطر اینترنت

متأسفانه علاقه زیاد به اینترنت موجب جدایی و فاصله گرفتن افراد خانواده از هم شده است از دید جامعه شناسان و روانشناسان چه کارهایی باید انجام دهیم تا این فاصله را پر کنیم و با چه روش هایی اعتیاد به اینترنت را رفع کنیم...

متأسفانه علاقه زیاد به اینترنت موجب جدایی و فاصله گرفتن افراد خانواده از هم شده است از دید جامعه شناسان و روانشناسان چه کارهایی باید انجام دهیم تا این فاصله را پر کنیم و با چه روش هایی اعتیاد به اینترنت را رفع کنیم

به گزارش خبرآنلاین، دکتر ذکایی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید: شبکه‌ها مجازی می‌توانند فرصتی برای همبستگی بیشتر باشند و شکاف‌های اجتماعی و فاصله طبقاتی را کم کنند.

برنامه‌هایی مانند وایبر، واتس‌آپ، تلگرام و آنهایی که هر روز از راه می‌رسند و جای خود را به سرعت در بین کاربران اینترنت باز می‌کنند، از سویی مورد استقبال واقع می‌شوند و از سوی دیگر به آنها به چشم خطراتی که باید ناپود شوند نگاه می‌شود. به عنوان مثال شبکه‌ای مانند «تلگرام»؛ هرچه بیشتر مورد استقبال افراد جامعه واقع شده و روز به روز افراد بیشتری به آن می‌پیوندند، بیشتر هم مورد انزجار برخی افراد قرار گرفته و به دنبال راه‌حلی برای مقابله با آن هستند.

راهکارهایی مانند فیلترینگ هم از همین ابراز نگرانی‌ها سرچشمه گرفته است. اما آیا در تمام جوامع نسبت به پدیده‌های جدید اینترنتی چنین واکنش‌ها می‌شود؟ می‌گوید: میزان خطراتی که کشور ما را تهدید می‌کند بیشتر است؟ مزایای استفاده از چنین شبکه‌های کمتر از معایب آن است؟

دکتر محمدسعید ذکایی، جامعه‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی در این رابطه به سوالات خبرآنلاین پاسخ داده است. او معتقد است نه خوش‌بینی و نه بدبینی محض در چنین مواردی موثر نیستند. باید شرایط جدید را بپذیریم و به جای حذف صورت مساله، خودمان را برای آن آماده کنیم.

گفت‌وگو با این جامعه‌شناس را در ادامه بخوانید:

آقای دکتر، در تمام جوامع اینهمه نگرانی نسبت به ورود تکنولوژی وجود دارد؟

گرایش به چنین شبکه‌های، یک فرایند جهانی است و اتفاقی است که در کشورهای دیگر آسیایی یا اروپایی هم رخ داده است. این روند، بخشی از جهانی‌شدن است و تکنولوژی جاذبه‌های خودش را دارد که نمی‌توان آن را انکار کرد. این جذابیت و کارایی امروزه هم جوانان و هم کودکان و میانسالان را به خود مشغول کرده است. بنابراین در حال صحبت از یک فرهنگ جهانی رسانه و شبکه‌های اجتماعی هستیم که فضای مثبت و منفی را ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد نگران‌کننده این است که ایرانی‌ها شتاب زیادی در استفاده از اینگونه تکنولوژی‌ها نشان داده‌اند و در مواردی دیده می‌شود نوع استفاده از این ابزارها با آنچه در جهان به صورت متعارف اتفاق می‌افتد فاصله دارد چراکه ما فرهنگ استفاده از این فضاها را به مردم آموزش نداده‌ایم. هک کردن، به نمایش گذاشتن لحظات خصوصی و عکس‌های بسیار شخصی، هجوم به صفحه افراد و ناسزا گفتن به او، انتشار اطلاعات خصوصی، تهدیدها و مزاحمت‌ها و... از جمله اتفاقاتی است که با بسیاری از فرهنگ‌ها و رسانه‌ها سازگار نیست اما در کشور ما اتفاق می‌افتد.

چرا چنین استقبالی در ایران از این شبکه‌ها شده؟

بخشی از آن می‌تواند به دلیل کارکردهای تکمیلی این شبکه‌ها در تعاملات اجتماعی باشد. مخصوصاً این که می‌توان اشاره کرد برای بخش‌هایی از جامعه که درگیر حرفه و مشاغل و فعالیت‌های روزانه هستند، فرصت کمتری برای حضور در اینگونه ارتباطات مجازی پیدا می‌شود ولی وقتی افراد فرصتی برای بروز و ظهور توانایی‌هایشان در عرصه‌های واقعی نداشته باشند، به سوی حضور در این فضاها سوق پیدا

می&زنj; کنند. به عنوان مثال می&زنj; توان به این اشاره کرد که از آنجا که زنان ایرانی نرخ بالای بیکاری دارند، از این فضاها به عنوان راهی جدید برای فرار از روزمرگی و فرصتی برای خودابرازی استفاده کنند. گروه&زنj; های از کار افتاده یا کسانی که امکان تحرک جغرافیایی زیادی را ندارند از این شبکه&زنj; ها به عنوان راهی برای جبران حضور و فعالیت اجتماعی استفاده می&زنj; کنند که البته جنبه&زنj; های منفی و مثبت آن جای بحث و بررسی دارد.

از جنبه&زنj; های منفی این موضوع،&زنj; به ایجاد روابطی اشاره می&زنj; شود که بنیاد خانواده را تهدید می&زنj; کند. شما با این نگاه موافقید؟

باید این را بدانیم که گریزی از ورود تکنولوژی&زنj; ها نداریم. درست است که بخشی از آداب و رسوم خانواده&زنj; های ایرانی دچار تغییر شده و فرصت&زنj; هایی که افراد خانواده در کنار همدیگر صرف می&زنj; کردند با این ابزارهای جدید کمتر شده، اما باید بدانیم نسبت دادن تمام اختلالات اجتماعی و روابط خانوادگی مثل طلاق و … به تکنولوژی، کار درستی نیست و با داده&زنj; های تجربی موجود هم نمی&زنj; توان این ارتباط مستقیم را پیدا کرد. مشخص نیست که اگر افراد از این شبکه&زنj; های ارتباطی و فضاها اینترنتی استفاده نکنند کاملاً در کانون خانواده خواهند بود و به افزایش ارتباطات خانوادگی منجر خواهد شد یا این انزوا طور دیگری جبران می&زنj; شود.

نظر شما به عنوان یک جامعه&زنj; شناس درباره راهکارهایی مانند فیلترینگ که این روزها بویژه درباره شبکه&زنj; های اجتماعی مانند تلگرام درباره آن صحبت می&زنj; شود چیست؟

نباید دچار افراط و تفریط شویم که بگوییم یا به طور کلی استفاده از این تکنولوژی&زنj; ها را محدود کنیم و به کارهایی مانند فیلترینگ دست بزنیم یا این که بدون هیچ برنامه&زنj; ای بنشینیم و چشممان را بر مخاطرات چنین فضاهایی ببندیم. فیلتر نه نسخه کارآمد و نه راهکار موجه و بادوامی است. ممکن است با چنین کارهایی به صورت مقطعی بتوان توقفی در این روندها ایجاد کرد اما اصل موضوع را از بین نمی&زنj; برد. باید به صورت واقعی و معقول با این قضایا برخورد کنیم. بخشی از فیلترینگ را کشورهای دیگر هم در نظر می&زنj; گیرند به عنوان مثال دسترسی به سایت&زنj; ها و شبکه&زنj; های پورنوگرافی یا سرشار از خشونت را محدود می&زنj; کنند یا بر اساس تناسب سنی و میزان آسیب&زنj; پذیری افراد به آنها اجازه ورود به بعضی شبکه&زنj; ها داده می&زنj; شود اما این که به طور کلی افراد جامعه را فاقد قوه تعقل فرض کنیم و از راهکارهای سلبی برای تمام شبکه&زنj; هایی که حتی می&زنj; توانند مفید باشند استفاده کنیم، راه حل منطقی به نظر نمی&زنj; رسد. باید این را بپذیریم که وارد فضای تازه&زنj; ای شده&زنj; ایم که باید برای آن برنامه&زنj; ریزی داشته باشیم. نه می&زنj; توان نسبت به این موضوع به صورت خوشبینانه محض نگاه کرد و نه به صورت کاملاً بدبینانه و بدون در نظر گرفتن ابعاد مثبت و مزایا و امتیازات استفاده از فضاهای مجازی.

به برخی از این مزایا اشاره می&زنj; کنید؟

از برآورده کردن نیازهای روزمره که بگذریم، از بعد جامعه&زنj; شناسی می&زنj; توان اینطور به این فضاها نگاه کرد که فرصتی را فراهم می&زنj; آورند که شکاف&زنj; های اجتماعی و فاصله طبقاتی که در اجتماع ایجاد شده را کاهش دهند. کمپین&زنj; هایی که برای انجام کارهای خیر صورت می&زنj; گیرد، ایجاد گروه&زنj; های تخصصی و علمی از سوی انجمن&زنj; هایی که دغدغه شرایط اجتماعی را دارند و بسیاری از موارد اینچنینی فرصت&زنj; های خوبی هستند که نباید آنها را از دست داد. این فضاها می&زنj; توانند به ایجاد و حفظ هویت محله&زنj; ای و ملی منجر شوند و در شرایطی که به دلایل مختلف در شهرهایمان دچار فاصله&زنj; های زیاد بین شهروندان شده&زنj; ایم، از این گونه ظرفیت&زنj; ها برای کاهش فاصله میان مردم استفاده کنیم. آنچه به آن نیاز داریم فضاهای واسطه برای چنین کارهایی است که لازم است نخبگان بیشتر به این عرصه&زنj; ها وارد شده، شبکه&زنj; سازی کرده و مردم را در جهت درست استفاده از این شبکه&زنj; ها هدایت کنند. به این صورت می&زنj; توانیم شاهد تحولی در بخش مدنی و شهروندی جامعه باشیم که به خودآگاهی و ارتباط مسئولانه دامن بزند و شهروندانی مسئولتر و مدیرانی پاسخگوتر داشته باشیم. ممکن است چنین اتفاقی به سرعت نیفتد اما می&زنj; توان با ساماندهی شرایط، در آینده به چنین شرایطی رسید و از این فضاها به عنوان عرصه&زنj; ای برای همبستگی بیشتر استفاده کرد.